



بررسی تحلیلی مهم‌ترین اصول اخلاقی حاکم در نظام مالیاتی علوی

محمد رضا شهاب^{*۱}

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۹/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۶/۲۲

چکیده

نظام مالیاتی از ابعاد مختلف در کانون توجهات صاحب‌نظران اقتصادی بوده است. اصول اخلاقی حاکم بر فرآیندهای مالیاتی به‌منزله روح نظام مالیاتی جهت‌گیری‌های ارزشی و هنجاری این نظام را معین کرده و کیفیت کارکرد و اثرات ناشی از اجرای مالیات‌ها را مشخص می‌نمایند. در این مقاله سعی می‌شود با استفاده از روش اسنادی و توصیفی مهم‌ترین اصول اخلاقی حاکم بر نظام مالیاتی براساس اندیشه و سیره عملی حضرت علی(ع) معرفی و تحلیل گردد. مطالعه، دستاوردهای نظری و کاربردی بسیاری در رابطه با فرآیند مالیاتی دارد از جمله: لزوم پایداری به مقررات و قوانین، توجه به عمران و آبادسازی جامعه و سیاست‌های حمایتی از تولید در طراحی مالیات‌ها، رعایت عدالت منطقه‌ای در مصرف منابع حاصله از جمع‌آوری مالیات‌ها، جلوگیری از تضعیف مالکیت شخصی و شکستن حریم خصوصی مؤدیان در فرآیند مالیات‌ستانی، رفتار به بهترین و صحیح‌ترین نحوه‌ی ممکن و با رضایت‌خاطر و رغبت در فرآیند پرداخت مالیات و... در بخش پایانی مقاله نیز توصیه‌های سیاستی متعددی ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: نظام مالیاتی، مالیات علوی و اصول اخلاقی.

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم اقتصادی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان

۱. مقدمه

بدون تردید نظام مالیاتی و موضوعات و مباحث علمی مرتبط با آن در طول تاریخ مباحث اقتصادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین زمینه‌های مورد توجه صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران اقتصادی در کانون توجهات بوده است. نظام مالیاتی در هر سیستم اقتصادی از ابعاد گوناگونی شایسته توجه بوده است. از یک طرف وضعیت بودجه دولت در کشورهای مختلف به‌ویژه در اقتصادهای پیشرفته نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین راه‌های تأمین مخارج دولت جمع‌آوری مالیات‌هاست. در واقع دولت وظایف و تعهدات بسیاری به عهده دارد و مالیات‌ها بخش عمده‌ای از منابع مالی موردنیاز دولت را در این رابطه تأمین می‌کنند به نحوی که حتی برخی از صاحب‌نظران بخش عمومی بعضی از انواع مالیات‌ها را ماشین پولسازی^۱ دولت نامیده‌اند (جعفری صمیمی، ۱۳۷۱، ۱۵۷). از سوی دیگر مقایسه اثرات ناشی از تأمین مالی مخارج از طریق مالیات‌ها با سایر روش‌های ممکن نشان می‌دهد که تجهیز منابع مالی دولت از این طریق آثار اقتصادی نامطلوب محدودتری را در پی خواهد شد و بر همین اساس است که در کشورهای پیشرفته برخلاف کشورهای در حال توسعه، تقریباً تمامی مخارج دولت از این طریق تأمین می‌شود (همان، ۱۳۷۱: ۱۷).

از طرف دیگر، به‌واسطه عوامل متنوع و پارامترهای متعدد مرتبط با سیستم‌های مالیاتی؛ هر نظام مالیاتی علاوه بر اثرات اقتصادی، دامنه‌ی گسترده‌ای از اثرات اجتماعی را نیز به‌دنبال خواهد داشت و دولت‌ها علاوه بر طراحی کالبد فیزیکی نظام مالیاتی، برای کنترل و مدیریت این اثرات اجتماعی لازم است در پیرایش معنوی و ساماندهی رفتاری و روحی آن نیز مراقبت و اهتمام ویژه داشته باشند. بر همین مبناست که توجه به اصول اخلاقی حاکم بر نظام‌های مالیاتی و تجزیه و تحلیل آنها از ابعاد مختلف اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

هدف اصلی این مطالعه عبارتست از شناسایی و تحلیل مهم‌ترین اصول اخلاقی حاکم بر نظام مالیاتی اسلامی - علوی. در راستای این هدف از روش اسنادی و توصیفی استفاده شده است و تحقیق بر مبنای مستندات موجود در نهج‌البلاغه و سایر منابع معتبر به انجام رسیده و به‌صورت زیر سازماندهی و ارائه شده است: مقاله پس از مروری بر ادبیات نظری و پیشینه مطالعاتی در بخش ۲ و معرفی مهم‌ترین مالیات‌های علوی در بخش ۳؛ در بخش‌های ۴ تا ۶ به‌ترتیب به بحث و تحلیل در خصوص اصول اخلاقی حاکم بر فرآیند طراحی مالیات‌ها، فرآیند مالیات‌ستانی و فرآیند مالیات‌دهی پرداخته است و در بخش انتهایی نیز نتایج و توصیه‌های سیاستی برآمده از تحقیق ارائه شده‌اند.

۲. مختصری در ادبیات نظری و سوابق مطالعاتی موضوع

بر مبنای اصول علمی در اقتصاد بخش عمومی، مالیات‌ها منبع اصلی درآمدهای دولت جهت انجام وظایفش تلقی شده و ابزار مهمی در اجرای سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی و همچنین در مدیریت

جهت‌گیری‌ها و تعیین خط‌مشی‌های جامعه محسوب می‌شوند. مهم‌ترین عوامل مرتبط و درگیر در هر نظام مالیاتی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: دولت به‌عنوان طراح اصلی نظام مالیاتی و مغز متفکر در تبیین چهارچوب و شکل‌دهی به آن؛ مأموران و کارگزاران مالیاتی که بازوان اجرایی در پیاده‌سازی نظام طراحی شده تلقی می‌شوند و نهایتاً مؤدیان، مضمولان و پرداخت‌کنندگان مالیات که می‌تواند شامل عموم اشخاص حقیقی و حقوقی‌ای باشد که در معرض اجرای سیستم مالیاتی طراحی شده قرار می‌گیرند.

از سوی دیگر هر مالیات با دو مشخصه تعریف می‌شود: مبنای مالیات و نرخ مالیات. منظور از مبنای مالیات متغیری است که مالیات بر آن وضع می‌شود و نرخ مالیات نیز رابطه‌ی بین مقدار مالیات و مبنای آنرا تعیین می‌کند. مالیات‌ها براساس مبناها و نرخ‌های مختلف به انواع متفاوتی تقسیم‌بندی می‌شوند.

پر واضح است که آنچه که موفقیت یک نظام مالیاتی را به‌عنوان یک منبع درآمدی کارآمد و یک سیاست مالی مؤثر تضمین می‌کند، صرفاً تعیین نرخ‌ها و مبناهای مالیاتی و تبیین توابع مالیاتی مربوطه نیست. گرچه تعیین و تبیین این مشخصات از شرایط لازم برای شکل‌دهی به هر نظام مالیاتی است اما هرگز برای حصول موفقیت کافی نیست. تعریف رفتار صحیح مالیاتی و جهت‌دهی به بازخوردهای اقتصادی و اجتماعی ناشی از اجرای سیستم مالیاتی مطمئناً از ضروریات در رسیدن به هدف است. در این رابطه، بحث تبیین اصول اخلاقی حاکم بر رفتار عوامل سه‌گانه فوق‌الذکر (دولت، کارگزاران اجرایی، مؤدیان مالیاتی) اهمیت و جایگاه ویژه و خاصی می‌یابد و بر همین مبنا ضرورت مطالعه حاضر روشن می‌شود. آنچه که به تحقیق باید به آن اعتراف نمود توفیق قابل‌ملاحظه مکاتب اقتصادی هنجارگرا^۱ در این زمینه است و مکتب اقتصادی اسلام را در صدر این مکاتب می‌توان دانست که مطالعات و محتویات این مقاله نیز نمایانگر و گواهی بر این ادعاست (شهاب، ۱۳۸۷: ۳۹). از آن‌جا که باورها و رفتارهای دینی و مذهبی، به‌دلیل آمیختگی شدید با زندگی مردم، بازتابی گسترده در رفتارهای اقتصادی دارد، مکاتب اقتصادی هنجارگرا که اصول و مبانی اقتصادی خود را بر پایه این باورها و اعتقادات طراحی می‌نمایند در کنترل و جهت‌دهی به اثرات اجتماعی فعالیت‌های اقتصادی از جمله فرآیندهای مالیاتی و نیل به اهداف مربوطه موفق‌تر بوده‌اند و از این‌رو بررسی اصول و جنبه‌های اخلاقی موضوعات اقتصادی و همچنین تأثیر باورهای دینی بر اخلاق اقتصادی از مقوله‌های مهمی است که جای مطالعه و تحقیق فراوان دارد.

در بررسی پیشینه‌ی مطالعاتی در این زمینه به مجموعه‌ای از تحقیقات بر می‌خوریم که به بررسی کلی مفهوم مالیات در اقتصاد اسلامی و مطالعه ابعاد فقهی و کاربردی و تدوین آن در چهارچوب تحلیل‌های علمی اقتصادی پرداخته‌اند. بدون شک پرداختن به همه این مطالعات حتی در حد اختصار نیز در اینجا میسر نیست، ز این‌رو در ادامه و با رعایت نهایت اختصار به برخی از مهم‌ترین و البته مرتبط‌ترین آنها به پژوهش حاضر اشاره می‌شود:

- عباس خدابخشی در پایان‌نامه خود که در سال ۱۳۷۹ در دانشگاه شهید بهشتی ارائه نموده به بررسی مالیات بر ارث براساس الگوی مالیات‌های اسلامی پرداخته و به این مسأله اشاره کرده است که مالیات‌های اسلامی با نرخ‌های تناسبی کارایی و عدالت مالیاتی را پوشش می‌دهند.
- محمد حسین حمزه‌پور در ۱۳۷۹ و در قالب پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد به بررسی مالیات بر شرکت‌ها در ایران براساس الگوی مالیات‌های اسلامی می‌پردازد. نتایج به‌دست آمده از تحلیل‌های وی از جمله کشش‌های مالیاتی و تحلیل واریانس نشان می‌دهد که نظام سابق مالیات بر شرکت‌ها با الگوی یاد شده تطابق ندارد.
- علیرضا لشگری در ۱۳۸۰ در طرح پژوهشی خود تحت عنوان نظام مالیاتی در اسلام؛ با توجه به ادبیات مالیاتی موجود ابعاد و جنبه‌هایی از مالیات‌های اسلامی را بررسی کرده است.
- اکبر کمیجانی و محمد مهدی عسگری در ۱۳۸۳ با تحلیل مقایسه‌ای آثار اقتصادی زکات و مالیه تورمی، نتایج وضع این دو نوع مالیات را بر رشد اقتصادی، تورم و رفاه اقتصادی تبیین نموده و به این نتیجه رسیده‌اند که آثار مثبت رفاهی در وضع زکات، در فضایی که تعالیم اسلامی برای زکات‌دهنده و زکات‌گیرنده ترسیم نموده، در مقایسه با آثار منفی رفاهی مالیه تورمی، نظیر اختلال در نظام پرداخت‌ها و کاهش موجودی پولی واقعی، بسیار متمایز است.
- علیرضا فیض در ۱۳۸۶ جایگاه خمس در اقتصاد اسلامی را بررسی کرده است. وی این فرضیه را ثابت می‌کند که خمس بخشی از مالیه عمومی است که در اختیار دولت اسلامی گذاشته شده است.
- مجید رضایی‌دوانی در ۱۳۸۷ طی مقاله‌ای با بیان انواع منابع مالی دولت اسلامی و خصوصیات هر یک به نتایجی اشاره می‌کند از جمله اینکه نرخ پایین مالیات‌های اسلامی، ثبات و عبادی‌بودن از بروز عدم کارایی جلوگیری می‌کند.
- مصطفی شمس‌الدینی و جواد شهرکی در ۱۳۹۰ سعی دارند تا با استفاده از قوانین اقتصادی اسلام روند پیاده‌سازی یک الگوی مالیاتی مناسب را طرح‌ریزی کنند. آنها نتیجه گرفته‌اند که توجه به بعد اعتقادی و تمرکز بر روی رهنمودهای الهی می‌تواند روند پیاده‌سازی یک الگوی مالیاتی مناسب را تسهیل کند.
- محمدمهدی عسگری و عبدالمحمد کاشیان در ۱۳۹۰ طی تحقیقی به برآورد ظرفیت بالقوه خمس با استفاده از دو روش شبیه‌سازی خرد و روش کلان در اقتصاد ایران پرداخته‌اند و نتایج آنها نشان می‌دهد که در دوره ۱۳۸۷-۱۳۸۰، مقدار ظرفیت بالقوه خمس در اقتصاد ایران از درآمد مالیاتی بیشتر بوده است.
- مجید رضایی‌دوانی و علی‌اکبر خادمی جامخانه در ۱۳۹۰ به موضوع اصلاح ساختار و بسط پایه‌های مالیاتی در تطبیق با الگوی مالیات‌های اسلامی با تأکید بر مالیات بر عایدی سرمایه پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که خمس بر منافع سرمایه شباهت بسیار و تفاوت‌هایی با مالیات بر عایدی سرمایه دارد.
- علی‌محمد احمدی و رضا وفایی‌یگانه در مطالعه‌ای در سال ۱۳۹۱ میزان مالیات‌های اسلامی در سید هزینه‌ای خانوارها و میزان اثرپذیری آن از رشد اقتصادی با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی را بررسی نموده و به این نتیجه دست یافته‌اند که در مناطق شهری خانوارهای با درآمد بالا به نسبت سهم

بیشتری از درآمد خود را صرف این امور کرده‌اند و در مناطق روستایی تقریباً همه خانوارها یک نسبت مساوی از هزینه‌های خود را صرف این امور می‌کنند.

- مجید رضایی‌دوانی، علی‌اکبر خادمی جامخانه و فرشته حاج‌محمدی در مقاله‌ای در سال ۹۱ مالیات بر مجموع درآمد را با خمس از منظر فقه اسلامی مورد مقایسه قرار داده و نتیجه گرفته‌اند که خمس، کلیه ساختارهای مورد نیاز مالیات بر مجموع درآمد (بدون توجه به ملاحظات اجرایی) را دارا می‌باشد و می‌تواند به‌عنوان جایگزین مالیات بر درآمد اشخاص یا خانوار در نظر گرفته شود.

- سهراب مروتی و فرشته دارابی در ۱۳۹۲ فرایند عدالت مالیاتی در نهج‌البلاغه را بررسی و تلاش کرده‌اند تا ضمن ارائه سیمای مالیات‌دهندگان، راهکارهای راهبردی برای عدالت گستری در اخذ مالیات عرضه شود.

- منور اقبال در ۱۹۸۵ در مقاله خود اثرات زکات و انفاق را بر مصرف کل بررسی کرده و نشان داده است که با اینکه زکات و انفاق با ثبات سایر شرایط دارای اثرات انبساطی بر مصرفند اما نتیجه‌ی کلی از قبل قابل تعیین نیست.

- آر. ابراهیم آدایو در ۲۰۱۱ طی مطالعه‌ای نقش زکات در کاهش فقر را در نیجریه مورد بررسی قرار داده است. محقق در این مطالعه قویاً بر این نتیجه تأکید می‌کند که دولت می‌تواند در راستای فقرزدایی از زکات به‌نحوی که در قرآن و سنت تشریح شده کمک بگیرد.

بر مبنای تحقیقات محقق در این مقاله، علی‌رغم مشاهده گستره وسیعی از مطالعات با زمینه‌های مرتبط؛ مطالعاتی که به‌طور خاص به تحلیل و تبیین اصول اخلاقی حاکم بر مالیات‌های علوی آن هم از زوایای تخصصی‌تر موردنظر در این مقاله پرداخته باشند تقریباً وجود ندارند و دقیقاً به همین دلیل است در مطالعه اخیر، تحلیل این موضوع وجهه همت قرار گرفته است.

۳. مختصری در معرفی مهم‌ترین انواع مالیات‌های علوی

براساس سیره عملی و اندیشه حضرت امیر(ع) می‌توان انواع منابع مالیاتی علوی را به دو دسته تفکیک کرد: دسته اول: مالیات‌های منصوص و دسته دوم: مالیات‌های حکومتی.

۳-۱. مهم‌ترین انواع مالیات‌های منصوص در حکومت علوی:

۳-۱-۱. **زکات:** یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی حکومت علوی درآمدهای حاصل از زکات و صدقات بوده است. اهمیت این منبع درآمدی هنگامی روشن‌تر می‌گردد که بدانیم حضرت امیر(ع) در بیش از ۲۷ مورد (از خطبه‌ها، نامه‌ها و ...) مستقیماً به زکات اشاره نموده و اهمیت، ارزش و ره‌آورد زکات و صدقات را مطرح و شرایط پرداخت زکات و فلسفه آن را تبیین و نحوه‌ی جمع‌آوری آن توسط مأموران و نحوه‌ی تقسیم آن را تشریح فرموده‌اند (شهاب، ۱۳۸۷: ۶۸).

۳-۱-۲. **خمس:** یکی دیگر از مالیات‌های منصوص در دولت علوی خمس است که البته سهم آن در میان منابع مالی دولت علوی چندان زیاد نبوده است (رشاد، ۱۳۸۰، ج ۷: ۳۶۰). بدین ترتیب گرچه خمس را

نمی‌توان همانند زکات از منابع مالی عمده‌ی حکومت علوی دانست اما در عین حال حضرت امیر(ع) در برخی از خطابه‌ها و حکم از خمس نیز یاد نموده است (به‌عنوان مثال: نهج‌البلاغه، ۶۹۵).

۳-۱-۳. خراج و جزیه: یکی دیگر از منابع مالی دولت علوی که سهم آن در درآمدهای دولت مذکور قابل توجه بوده است درآمدهای فیء بوده که شامل خراج و جزیه می‌شود (رشاد، ۱۳۸۰، ج ۷: ۳۷۲). منظور از خراج مالیات یا اجاره‌ای است که بر زمین خاصی وضع می‌شود. براساس مطالعه مستندات و متون مختلف تاریخی روشن می‌شود که مقدار خراج در زمان دولت علوی متغیر بوده و با توجه به عوامل مختلف و با لحاظ آنها تعیین می‌شده است (حرعاملی، ۱۴۰۱ هـ ق، ج ۱۱: ۱۱۶؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۱ هـ ق، ج ۴: ۱۰۵).

در کنار خراج، جزیه نیز یکی از منابع مالی مهم دولت علوی به‌شمار می‌آید. جزیه از نظر اصطلاحی مالیاتی است که از کافران اهل کتاب یا مشرکان گرفته می‌شد. این مالیات عموماً مالیاتی سرانه بود اما یکی از مسائل مهم در تعیین مقدار جزیه توجه به شرایط و توانایی پرداخت مشمولین این مالیات بود (نهج‌البلاغه، ۵۷۸؛ ابوعبید، ۱۴۰۶: ۶۲).

۳-۲. مالیات‌های حکومتی

این دسته مالیات‌هایی هستند که دولت اسلامی به‌واسطه صلاح‌دید خود در راستای تجهیز منابع مالی موردنیاز برای تأمین هزینه‌های خود در اجرای وظایف محوله و بسط عدالت اجتماعی و ارتقاء رفاه عمومی وضع می‌نماید. این گونه مالیات‌ها که اصطلاحاً به مالیات‌های حکومتی مشهورند ممکن است مالیات‌های مستمری نباشند و در دوره‌های خاصی به اقتضاء شرایط اعمال و در دوره‌های دیگر اخذ آنها منتفی شده باشد. گرچه سهم این گونه مالیات‌ها در منابع مالی دولت علوی چندان قابل توجه نیست و از طرف دیگر منابع تاریخی و مستندات چندانیکه شواهد متعددی را از مالیات‌های حکومتی در دوران حکومت علوی ارائه نموده باشند در دست نیست؛ اما مطابق با روایات پراکنده و محدود می‌توان و باید مالیات‌های حکومتی را نیز به منابع مالی دولت علوی اضافه کرد به‌عنوان مثال براساس روایات منقول از امام باقر و امام صادق(ع)، حضرت امیر(ع) در هر سال به‌طور سرانه بر هر اسبی که چرای آزاد داشت دو دینار و بر هر اسب تندرو یک دینار مالیات وضع نموده بودند (حرعاملی، ۱۴۰۱ هـ ق، ج ۶: ۵۱).

اکنون با توجه به شناخت انواع مالیات‌های علوی به تحلیل اصول اخلاقی حاکم بر نظام مالیاتی علوی به تفکیک اصول حاکم بر رفتار عوامل سه‌گانه ذیدخل در این نظام (دولت، مأموران و کارگزاران اجرایی، مؤدیان مالیاتی) می‌پردازیم. اما لازم است قبل از ادامه این بحث به‌صورتی واضح‌تر تأکید نماییم که منظور ما از "اصول اخلاقی حاکم بر نظام مالیاتی" در این مقاله، منش و مشی رفتاری ویژه‌ای است که بر فرآیند طراحی و اجرای نظام مالیاتی علوی حاکم است و در واقع این اصول به‌منزله روح ناظر بر فرآیند مالیات‌ستانی (طراحی و اجرای نظام مالیاتی توسط دولت) و مالیات‌دهی (پرداخت مالیات توسط مؤدیان مالیاتی) در کنار عملیات فیزیکی مربوطه است.

۴. اصول اخلاقی حاکم بر رفتار دولت اسلامی در ارتباط با نظام مالیاتی از دیدگاه علوی

اسلام در رسیدن به همه اهداف اقتصادی از جمله در ارتباط با اهدافی که از وضع مالیات‌های متنوع دنبال می‌کند از چهارچوب ارزش‌های اخلاقی خارج نمی‌شود زیرا تحقق این ارزش‌ها همراه با پیاده‌شدن اقتصاد اسلامی از اهداف مکتب اسلام است (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱: ۱۹۵). براساس مطالعه متون و مستندات موجود، به‌طور کلی آموزه‌های اقتصادی اسلام را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

الف- آموزه‌هایی که فلسفه اقتصاد اسلامی و جهان‌بینی اسلام را مشخص نموده و زیربنای فکری مکتب و نظام اقتصادی اسلام می‌باشد، مانند اعتقاد به خدا و مالکیت حقیقی او.

ب- اصول و خطوط کلی حاکم بر برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های بخش اقتصاد در ارتباط با حل مسائل و مشکلات این بخش که از آن به‌عنوان «مکتب اقتصادی» یاد می‌شود، همانند «مالکیت مختلط» و «لزوم دخالت دولت».

ج- اصول و احکام حقوقی و اخلاقی لازم برای تنظیم روابط اقتصادی و الگوهای رفتاری مناسب که نظام هماهنگ و منسجمی را برای رسیدن به وضعیت اقتصادی مطلوب، به دست می‌دهد. به‌نظر می‌رسد این نوع آموزه‌ها، جایگاه بسیار مهمی در ابعاد اقتصادی و تربیتی دارد (غفاری، ۱۳۸۷: ۴). بی‌گمان از دیدگاه مکتب اسلام، اقتصاد و رفتارهای اقتصادی به‌طور کامل، تحت تأثیر باورهای دینی و ارزشی است و به‌طور کلی تمام برنامه‌ها و رفتارهای اقتصادی بایستی با اهداف دینی انجام گیرد (همان، ۵).

یکی از ویژگی‌های برجسته دولت اسلامی به‌ویژه از دیدگاه علوی اینست که صرفاً در پی تعالی وضعیت مادی و اقتصادی انسانی نیست بلکه سعادت و ارتقاء جوامع انسانی را در گرو تعالی اخلاقی و اجتماعی آنها در کنار ارتقاء سطح رفاه اقتصادی می‌بیند و بر مبنای همین پشتوانه فکری و در راستای وظایفی که برای نیل به این هدف اساسی ترسیم می‌نماید به تبیین اصولی می‌پردازد که دولت اسلامی در طراحی نظام مالیاتی باید به آنها پایبند باشد. مبتنی بر اندیشه و سیره حکومتی حضرت امیر(ع)، مهم‌ترین این اصول بر پایه بررسی و تحلیل مستندات موجود به قرار زیرند:

۴-۱. اجرای قوانین و مقررات و پایبندی به آن

بدون تردید موضوع پایبندی به مقررات مالیاتی (چه در رابطه با مینا و نرخ‌ها و چه در برقراری معافیت‌ها و تشویقات مالیاتی و همچنین تنبیهات و جرایم مربوطه) و ایجاد یک فضای مالیاتی با ثبات و قابل اعتماد مالیاتی از اصول و تعهدات اخلاقی مترقی‌ای است که متوجه دولت به‌عنوان طراح اصلی نظام مالیاتی است. رعایت این اصل به‌عنوان یکی از مسائل مورد توجه دولت علوی در اجرای احکام و قوانین به‌طور عام و مقررات مالیاتی به‌طور خاص و پرهیز از اجرای تبعیض‌آمیز، مصلحتی یا گزینشی آنها کاملاً قابل لمس و مشهود است. امام علی(ع) در خطبه‌ها و نامه‌های مختلف سیره حکومتی خود را بر پایه پرهیز از پیمان‌شکنی و تخلف از مقررات و احکام به‌طور مستقیم و غیرمستقیم ترسیم و تبیین می‌فرماید که یکی

از مهم‌ترین نمونه‌های موجود، دستورات آن حضرت در قالب منشور حکومت علوی در نامه‌ی ۵۳ است (نهج‌البلاغه، ۵۶۴).

۲-۴. توجه و تمرکز بر عمران و آبادسازی جامعه به جای توجه صرف به درآمدسازی

بر همگان پوشیده نیست که نگاه یک سویه و مبتنی بر درآمدسازی به نظام مالیاتی و طراحی و اجرای نظام مذکور فقط بر این مبنا، به معنای عدم استفاده و به‌کارگیری تمام ظرفیت‌ها و قابلیت‌های مختلف مالیات‌ها در ابعاد سیاست‌گذاری است. چنین دیدگاهی نسبت به نظام مالیاتی منجر به غفلت از وظیفه اصلی و ماهیت وجودی دولت در رابطه با توسعه و آبادسازی جامعه و وصول مالیات‌ها برای تجهیز منابع در راستای ایفای این وظیفه خطیر گردیده و از این لحاظ هرگز نگرشی اخلاق مدارانه و متعهدانه نسبت به جامعه نمی‌تواند تلقی شود. امام علی(ع) برای به فعلیت رسانیدن این اصل، ضمن تأکید بر وظیفه دولت اسلامی در عمران و آبادسازی زمین اهتمام دولت علوی را به این تعهد مهم در طراحی و اخذ مالیات الزامی می‌داند و می‌فرماید: "باید بیش از تحصیل خراج در اندیشه زمین باشی، زیرا خراج حاصل نشود، مگر به آبادانی زمین و هر که خراج طلبد و زمین را آباد نسازد، شهرها و مردم را هلاک کرده است و کارش استقامت نیابد، مگر اندکی" (نهج‌البلاغه، ۵۷۸). درحقیقت به استناد دیدگاه علوی یک نظام مالیاتی چنانچه به واسطه نامناسب بودن مبنا، نرخ، نحوه‌ی وصول و... سبب ایجاد اثرات منفی و پیامدهای تخریبی برای عمران و آبادسازی شهرها و جامعه از طریق تضعیف توان و انگیزه واحدهای بخش خصوصی گردد؛ حتی اگر پول‌سازترین نوع مالیات هم باشد؛ هرگز نظامی مطلوب و قابل قبول نخواهد بود. بدین ترتیب رعایت این امر به‌عنوان یکی از اصول اخلاقی و تعهدآور؛ دولت اسلامی را موظف به طراحی نظام مالیاتی در چهارچوب برنامه‌های عمرانی و توسعه و همسو با آنها می‌نماید.

۳-۴. توجه و تمرکز بر سیاست‌های حمایتی از ساختار تولیدی به جای توجه محض به کسب درآمد

مشابه آنچه که در قسمت قبلی مطرح شد، براساس سیره و اندیشه علوی یکی دیگر از اصول اخلاقی‌ای که باید توسط دولت در طراحی مالیات‌ها مورد توجه قرار گرفته و رعایت گردد توجه ویژه به حذف مالیات‌هایی است که با ارتقاء سطح کمی و کیفی تولید سازگاری ندارند. دولت علوی با درک توان‌بخشی خصوصی در افزایش تولید جامعه؛ وظیفه اصلی دولت را برداشتن موانع موجود بر سر راه تولید و عملکرد واحدهای خصوصی و حمایت از این بخش می‌داند و می‌فرماید: "هرگز تخفیف دادن در خراج تو را نگران نسازد زیرا آن اندوخته‌ای است در آبادانی شهرهای تو... "(همان، ۵۷۹) و بر این اساس به مالک دستور می‌دهد که به صنعتگران و در واقع تولیدکنندگان و بازرگانان توجه ویژه‌ای داشته (همان، ۵۸۱) و با تنظیم مالیات و خراج به نحوی که مانع تولید نگردد به آنان کمک نماید (همان، ۵۷۹).

آنچه از توضیحات فوق قابل استنتاج است اینست که اخلاق اقتصادی در رابطه با نظام مالیاتی حکم می‌کند که مالیات‌هایی که مانع ارتقاء کمی و کیفی تولید شده و با رشد اقتصادی جامعه مغایرت دارند، حتی اگر برای دولت بسیار درآمد آفرین هم باشند، نباید در سیستم مالیاتی طراحی و گنجانده شوند.

در پایان این بخش لازم است اشاره نماییم که با دقت و تأمل در محتوای دستورالعمل گهربار حکومتی حضرت امیر(ع) به مالک‌اشتر، نکات ارزنده‌ای در استخراج دیدگاه علوی در زمینه‌ی اصول اخلاقی لازم‌الرعایه توسط دولت در طراحی نظام مالیاتی در رابطه با عمران و آبادسازی و همچنین توجه به لزوم افزایش تولید و رشد اقتصادی جامعه به دست می‌آید:

نکته‌ی اول اینست که در طراحی مالیات‌ها در حکومت علوی نظامی که عمران، افزایش تولیدات و تحرک و پویایی بخش واقعی اقتصاد را وجهه همت و سرلوحه تلاش خود قرار ندهد نظام مالیاتی مطلوب و پذیرفتنی نیست و رفتار دولت در این خصوص باید با اولویت‌بخشی به توسعه و آبادسازی جامعه در مرحله‌ی اول و سپس وضعیت مالی خود باشد. اگر مالیات‌ها را با T^1 و وضع منابع مالی دولت را با FR^2 و شاخص‌های توسعه را با DI^3 نشان دهیم روابط زیر گویای تقدم توسعه و آبادانی بر تجهیز مطلق منابع مالی دولت از دیدگاه علوی خواهند بود:

$$T = f(DI) \Rightarrow FR = h(DI) \quad (1)$$

از توضیحات و همچنین توابع فوق بر می‌آید که درآمدهای مالیاتی (T) و در نتیجه منابع مالی دولت (FR) مستقیماً به وضعیت توسعه کشور بستگی دارد ($f' > 0$ و $h' > 0$) (شهاب، ۱۳۸۷: ۵۱). در همین خصوص جالب است که اضافه نماییم که در منظر اندیشه علوی برقراری معافیت‌های صحیح و مناسب در اعمال مالیات‌ها به نوعی، سرمایه‌گذاری دولت برای افزایش تولید و در نهایت افزایش درآمدهای عمومی و منابع مالی دولتی است. بسیار جالب است وقتی در مقام مقایسه با مفاهیم رایج امروزی در مباحث مالیاتی، این دیدگاه ناب علوی را با نظریه مطروحه توسط آرتور لافر^۴ مقایسه و تحلیل نماییم (همان، نکته‌ی دوم اینست که اصول اخلاقی در حکومت علوی حکم می‌کند که طراحی نظام مالیاتی بر مدار این باشد که اهمیت و فایده افزایش تولیدات نسبت به جمع‌آوری مالیات و در نتیجه افزایش درآمد دولت بیشتر است بنابراین در تراحم بین افزایش درآمد مالیاتی و افزایش تولیدات و در واقع عمران و آبادانی جامعه، دومی تقدم دارد. به عبارت بهتر برای دولت علوی باید نامعادله‌ی زیرمخبر برنامه‌ریزی و فعالیت‌های اقتصادی قرار گیرد.

در نامعادله (۲)، u نشان‌دهنده‌ی مطلوبیت، و Q' مشتق تابع تولید و منعکس‌کننده تغییر نهایی در تولید و T' مشتق تابع مالیاتی و نشان‌دهنده‌ی تغییر در مقدار مالیات و لذا مقدار درآمد مالیاتی است. رابطه‌ی (۲) بر این تأکید دارد که مطلوبیت تغییر در تولید باید بیشتر از مطلوبیت تغییر در درآمد مالیاتی باشد. این نکته به ما خاطر نشان می‌سازد که مصلحت و منافع دولت به‌گونه‌ای انتزاعی از مصلحت و منافع جامعه نباید تفسیر شده و مبنای برنامه‌ریزی قرار گیرد.

$$u[Q' > 0] > u[T' > 0] \rightarrow (2) \quad (2)$$

1. Tax
2. Financial Resources
3. Development Indexes
4. Arthur Laffer

نکته‌ی سومی که از مستندات موجود (به‌عنوان مثال: نهج‌البلاغه، ۵۶۴) قابل استخراج است اینست که در اندیشه و رفتار علوی عدالت اجتماعی به این نیست که میزان خراج و مالیات را به قیمت متوقف کردن عمران و تولید جامعه افزایش دهیم بلکه چنین سیاستی یک نوع سیاست ضدتوسعه‌ای به شمار می‌آید و در نتیجه نه تنها عادلانه و بر مشی اعتدال نیست بلکه مغایر با اصول اخلاقی ناظر بر رفتار دولت در طراحی نظام مالیاتی تلقی می‌گردد.

۴-۴. تعهد دولت بر طراحی نظام مالیاتی‌ای که جایگاه و شأن مؤدی مالیاتی را مخدوش نسازد

از دیگر اصول اخلاقی‌ای که در طراحی و اجرای نظام مالیاتی بر دولت اسلامی فرض است تبیین نظام مالیاتی به‌نحوی است که در آن ارزش‌های انسانی و جایگاه عوامل مرتبط با این نظام اعم از مأموران و مؤدیان مالیاتی به‌نحو شایسته‌ای محفوظ بماند. پرواضح است که تحقق این امر مستلزم رعایت رفتار اسلامی و آموزه‌های اخلاقی آن در تمامی ابعاد و مشخصه‌های هرگونه مالیاتی است که توسط دولت علوی طراحی و اجرا می‌گردد. به‌عنوان نمونه علی‌رغم اینکه حضرت امیر(ع) می‌فرمایند که: "حکومت، با نابودی مالیات جز اندکی دوام نمی‌آورد" (ابن‌الحدید، جلد ۱۷، ۷۱) اما تأکید می‌فرمایند که: "برای گرفتن درهمی (مالیات) کسی را با شلاق نزنید" (ابن‌ابی‌الحدید، جلد ۱۷، ۱۹). به‌عنوان مثالی دیگر؛ یکی از این ابعاد، طراحی مالیات از حیث مبنا و نرخ به‌گونه‌ای است که سبب سردرگمی مشمولین آن نشده و از این طریق امکان بروز احساس "بی‌توجهی دولت نسبت به حقوق مؤدیان مالیاتی" از بین برود. نهی از سنگین کردن بیش از حد فشار (بار) مالیاتی (نهج‌البلاغه، ۵۷۹)، سهولت در تشخیص تعلق یا عدم‌تعلق مالیات توسط عموم افراد جامعه، سادگی و فاقد پیچیدگی و قابل فهم بودن نحوه محاسبه مالیات‌ها برای مؤدیان (به‌عنوان مثال در خصوص مالیات حکومتی: حرعاملی، ۱۴۰۱ هـ.ق، ج ۶: ۵۱ و نیز در مالیات منصوص: نهج‌البلاغه، ۵۰۵)، تحقق عدالت در جامعه از طریق اعمال مالیات‌های عادلانه (به‌عنوان نمونه: همان، ۳۹۰)، تثبیت‌کنندگی^۱ و انعطاف‌پذیری^۲ نظام مالیاتی متناسب با شرایط اقتصادی جامعه (به‌عنوان نمونه‌های قابل استناد: همان، ۶۵۸؛ همچنین: همان، ۵۷۸ و نیز ابوعبید، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۶۲) و... از جمله سایر مواردی هستند که رعایت آنها در طراحی نظام مالیاتی به‌عنوان اصول اخلاقی مورد نظر در اندیشه و سیره عملی حضرت امیر(ع)، بدان‌ها توصیه و بر آنها تأکید شده و از مهم‌ترین اصول اخلاقی حافظ ارزش‌ها و شئون انسانی در جامعه به‌شمار می‌روند.

۴-۵. طراحی و اصلاح اداره مالیاتی^۳ در راستای اصلاح سایر امور جامعه

یکی از مسایل بسیار اثرگذار در رفتارهای مالیاتی عوامل مرتبط با هر نظام مالیاتی کیفیت اداره مالیاتی در آن نظام است. در دولت علوی بر اصلاح اداره مالیاتی به‌گونه‌ای تأکید شده است که حتی اصلاح سایر

1. Stabilization

2. Flexibility

3. Tax Administration

امور جامعه نیز به این امر موکول و مشروط گردیده است (نهج البلاغه، ۵۷۸). محور اصلی این اصلاح در اداره نظام مالیاتی نیز ارتقاء سطح تمکین از طریق مدارا و انصاف با مردم و ساده‌سازی پرداخت مالیات برای آنها و رفع موانع و مشکلات آنها در این زمینه (همان، ۵۷۸) و نیز حصول اطمینان در مؤدیان نسبت به بی‌طرفی کارگزاران در استیناف مالیاتی است (همان، ۵۰۵). بدین ترتیب روح حاکم بر طراحی نظام مالیاتی در دولت علوی متضمن پیش‌بینی اداره مالیاتی مؤثر و کارآمد است (شهاب، ۱۳۸۷: ۱۰۰).

۶-۴. توجه و تأکید بر عدالت منطقه‌ای در مصرف مالیاتی

دامنه‌ی تأکید بر مشی رفتاری و اخلاقیات پسندیده در باره‌ی ابعاد مختلف مالیات‌ها و نظام مالیاتی در دولت علوی تا آن حدی گسترده است که نه فقط گستره وصول مالیات‌ها بلکه حتی نحوه‌ی مصرف منابع جمع‌آوری شده از محل مالیات‌ها را نیز در برمی‌گیرد. پرواضح است که اخذ مالیات (حتی با در نظر گرفتن کلیه اصول اخلاقی یادشده در این مطالعه) به‌واسطه انتقال بخشی از منابع واحدهای خصوصی به دولت، که در متون اقتصاد بخش عمومی همان اثر عادی مالیات نامیده می‌شود، واحدهای خصوصی را با احساس نوعی فشار مالیاتی مواجه می‌سازد. یکی از راه‌های کاهش این احساس اقداماتی است که از سوی دولت با مصرف مناسب منابع حاصله از مالیات‌ها انجام پذیرفته و در سایه این اقدامات ثمره مالیات‌دهی برای بخش خصوصی نمایان می‌شود و عدالت نیز حکم می‌کند که اشخاصی که مالیات می‌پردازند از ثمرات این اقدام خود به روشنی برخوردار گردند. در این زمینه به‌عنوان نمونه امام(ع) می‌فرماید: "... تا امور مالیات‌دهندگان اصلاح نشود کار دیگران سامان نخواهد گرفت..." (نهج البلاغه، ۵۷۹). با بررسی شواهدی از این دست به روشنی و قطعیت می‌توان ادعا کرد که یکی از مظاهر توجه به اخلاقیات در برخی از مالیات‌های علوی رعایت همین اصل است. دولت علوی در عین تأکید بر تقدم مصالح عمومی جامعه اسلامی؛ به‌ویژه در مورد مالیات زکات برای مصارف منطقه‌ای و محلی منابع حاصله از این مالیات اولویت قابل است و مستندات موجود در قالب دستورالعمل‌های مالیاتی حضرت امیر(ع) نیز تأکید بر مصارف و مالیه محلی را نشان می‌دهد (شهاب، ۱۳۸۷: ۱۱۶).

۵. اصول اخلاقی حاکم بر مالیات‌ستانی (رفتار کارگزاران مالیاتی) از دیدگاه علوی

نکات اخلاقی در رفتارهای اقتصادی کارگزاران مالیاتی حکومت علوی مورد تأکید بسیار قرار گرفته است. در سایر نظام‌های اقتصادی نظیر نظام سرمایه‌داری، ارزش‌های اخلاقی جدا و بیگانه از مسایل اقتصادی و مالیاتی مطرح می‌شوند در حالی که در توصیه‌های علوی این ارزش‌ها بخش عمده‌ای از رفتارهای مالیاتی کارگزاران و عوامل اجرایی را شکل می‌دهند. نکته جالب اینست که به این نکات اخلاقی تنها نباید به‌عنوان اهداف و ارزش‌های هنجاری بنگریم زیرا که آنها خود بهترین ابزار برای اجرا و اداره‌ی مالیاتی به‌ینه تلقی می‌شوند. در این بخش از مقاله به معرفی مختصر مهم‌ترین این اصول می‌پردازیم. با بررسی مستندات و مدارک موجود به‌ویژه خطبه‌ها و نامه‌های گهربار حضرت علی(ع) کارگزاران مالیاتی لازم است در هنگام مراجعه به مردم جهت اجرا و اعمال مالیات‌ها به اصول زیر پایبند باشند:

۱-۵. توجه به نقش مهم مؤدیان مالیاتی در تأمین منابع عمومی و مواجهه با آنها بر این

مبنا

از دیدگاه علوی "همه مردم روزی خوار خراج و خراج دهندگان" بوده و لذا مأموران و کارگزاران مالیات باید به نحوی به سراغ مؤدیان خراج (یا سایر مالیات‌ها) بروند "که به صلاح خراج‌دهندگان باشد" و هنگام مراجعه و مواجهه با مؤدیان تمامی رفتارها و عملکرد خود را بر مدار این اصل سازمان دهند که "دیگران (عموم جامعه) حالشان نیکو نشود مگر به نیکو شدن حال خراج‌دهندگان" (نهج‌البلاغه، ۵۷۸).

۲-۵. اعتماد به مؤدیان مالیاتی در تمامی مراحل وصول مالیات

یکی از محورهای اصلی مورد تأکید در اندیشه حضرت امیر(ع) در رابطه با نحوه‌ی برخورد و رفتار مأموران در اجرا و اداره‌ی مالیاتی اعتماد به مؤدیان مالیاتی در تشخیص و محاسبه بدهی مالیاتی خود است (خود ارزیابی) که طی دستور العمل حکیمانانه‌ای که در سال ۳۶ هجری به مأموران و کارگزاران مالیاتی صادر فرموده‌اند مورد تأکید قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه امام(ع) به کارگزار مالیاتی دستور می‌فرماید که اگر در پاسخ به فراخوان برای پرداخت تکالیف مالیاتی "کسی گفت نه، دیگر به او مراجعه نکن و اگر کسی پاسخ داد آری همراهش برو ..." (همان، ۵۰۴).

حتی در ادامه و هنگام دریافت مالیات حق انتخاب مالی که برای زکات قرار است پرداخت شود را با مؤدی می‌دانند و می‌فرمایند: ".... اجازه ده که خود انتخاب کند" (همان، ۵۰۵). بدین ترتیب و براساس این دیدگاه پیشرو و مترقی، مأمور مالیاتی باید به اصل خود تشخیصی و خود ارزیابی مؤدیان احترام بگذارد و هرگز در قبال تشخیص مودی متعرض او نشود. بر همین اساس است که امام تأکید می‌فرماید که نباید به مؤدیان بهتان زد و نسبت دروغ به آنها داد. نکته جالبی که در همین خصوص شایسته توجه است اثر بسیار مثبت اجرای این اصل اخلاقی و منش رفتاری در ارتقاء مؤثر بودن (افزایش سطح تمکین) و نیز کارا بودن (کاهش هزینه‌های وصول مالیات) نظام مالیاتی است (شهاب، ۱۳۸۷: ۱۰۵).

۳-۵. رفتار فردی مبتنی بر فضایل اخلاقی پسندیده با مؤدیان مالیاتی

بدون تردید یکی از ویژگی‌های برجسته نظام مالیاتی علوی سفارشات انسانی و اخلاقی در امر مالیات ستانی در عین التزام به قانون و دریافت دقیق مالیات است. کمی تأمل در لغات و اصطلاحات جالبی که در نامه ۲۵ نهج‌البلاغه در این خصوص آمده روشنگر نکات ارزشمند بسیاری است. امام در قالب این نامه و در سال ۳۶ هجری به مأموران مالیاتی با ژرف‌نگری هر چه تمام‌تر در این دستورالعمل نسبتاً کوتاه در بیش از ۲۵ مورد با بکار بردن افعال نهی برای کارگزاران مالیاتی بر پابندی بر فضایل اخلاقی و انسانی در امر مالیات‌ستانی تأکید فرموده‌اند. فرمایشاتی نظیر: " ... هیچ مسلمانی را نترسان، یا با زور از زمین او نگذر...، مانند اشخاص سلطه‌گر و سخت‌گیر رفتارمکن ..." (نهج‌البلاغه، ۵۰۵). مشابه این سفارشات اخلاقی در این زمینه را در نامه ۲۶ که خطاب به مخنف ابن‌سلیم فرماندار اصفهان در سال ۳۶ هجری مرقوم گردیده و یا نامه ۵۱ به کارگزاران بیت‌المال و یا نامه ۵۳ که در سال ۳۸ هجری به مالک‌اشتر برای

فرمانداری مصر نوشته‌اند و... نیز می‌توان مشاهده کرد (نهج البلاغه، ۵۰۴؛ همان، ۵۰۹؛ همان، ۵۶۲ و همان، ۵۹۳).

در یک جمع‌بندی کلی مهم‌تری فضایی که کارگزاران و مأموران وصول مالیات باید رفتار خود را به آنها آراسته نمایند عبارتند از: ادب، پرهیزگاری، نرم‌خویی و تواضع و در عین حال وقار شخصیتی مطابق با شأن حکومت اسلامی هنگام تشخیص و شناسایی مؤدیان؛ نهایت مدارا و همراهی با مؤدیان؛ عدم ایجاد رعب و وحشت در مؤدیان؛ پرهیز از سخت‌گیری و رفتارهای آزاردهنده؛ عدم تجاوز به حقوق مؤدیان و ...

۴-۵. تبعیت از قانون و حرکت در چارچوب آن

اخذ مالیات بیشتر از مقادیر مقرر قانونی و سخت‌گیری در مالیات ستانی هیچ جایگاهی در نظام مالیاتی علوی ندارد. به‌عنوان نمونه در این زمینه حضرت می‌فرماید: "... افزون‌تر از حقوق الهی از او - منظور مؤدی مالیاتی- مگیر" (همان، ۵۰۴). بنابراین بر مبنای فرمایشات گهرباری از این دست می‌توان استنتاج نمود که مأمور مالیاتی ضمن لزوم آشنایی هرچه بیشتر با قوانین مالیاتی، ملزم به تبعیت از این قوانین و حرکت در چارچوب آنهاست و هیچ مأمور یا کارگزار حکومتی نمی‌تواند و نباید بیشتر از مقدار مقرر در قانون از مردم مالیات بگیرد.

۴-۵. توجه به شکایات مؤدیان در خصوص نحوه محاسبه و اخذ مالیات و پذیرش درخواست تجدیدنظر آنان

از منظر حکومت علوی مالیات ستانی به هیچ‌یک از ابعاد طراحی و اجرای آن نباید باعث تحریک و جریحه‌دار شدن احساسات مؤدی مالیاتی شود و بنابراین حتی پس از محاسبه مالیات نیز این عملیات می‌تواند در معرض بررسی خواهی و تجدیدنظر مؤدیان قرار گرفته و مطابق اندیشه علوی از مأموران مالیاتی به‌جز پذیرش و همراهی با مؤدیان و محاسبه مجدد هیچ رفتار دیگری قابل پذیرش نخواهد بود. فرمایش زیر از آن حضرت در مورد نحوه دریافت زکات مؤید این مطلب است: "... حیوانات- مال مشمول زکات - را به دو دسته تقسیم کن و صاحبش را اجازه ده که خود انتخاب کند. اگر از این تقسیم و انتخاب پشیمان است و از تو درخواست گزینش دوباره دارد همراهی کن..." (همان، ۵۰۵). بدین ترتیب، مأمور مالیاتی در دیدگاه علوی باید هنگام وصول مالیات نظر مؤدی را لحاظ و مراعات نماید و اعطای حق اختیار و انتخاب به مؤدی و پذیرش درخواست تجدیدنظر او از مواردی است که در این رابطه در فرمایشات امام(ع) قابل تأمل است.

۴-۶. پرهیز از تضعیف مالکیت شخصی و خصوصی مؤدیان در فرآیند مالیات ستانی

یکی دیگر از اصول اخلاقی حاکم بر رفتار کارگزاران مالیاتی اینست که به‌گونه‌ای رفتار نمایند که فرآیند مالیات ستانی موجب تضعیف مالکیت شخصی و خصوصی مؤدیان نگردد. حضرت امیر(ع) در این رابطه مأمور را از سرزده و بدون اجازه وارد شدن به املاک و اموال مؤدیان به شدت نهی نموده‌اند (همان، ۵۰۶). تأمل در مفاد دستورالعمل آن حضرت اهمیت جلوگیری از ورود به حریم اشخاص و دست‌اندازی به اموال آنان به بهانه مالیات ستانی را تأیید می‌نماید آنجا که می‌فرماید: "... برای گرفتن مالیات از مردم، لباس-

های تابستانی یا زمستانی و مرکب‌سواری و برده‌کاری او را نفروشید و برای گرفتن درهمی کسی را با تازیانه نزنید و به مال کسی دست اندازی نکنید- چه نمازگزار باشد و چه غیرمسلمانی که در پناه اسلام است...." (همان، ۵۶۴).

۷-۵. امانت‌داری و مراقبت از مصالح بیت‌المال

اصول اخلاقی ناظر بر رفتارهای کارگزاران مالیاتی در اندیشه و سیره‌ی علوی فقط به محدوده‌ی برخورد آنها با مؤدیان و پرداخت‌کنندگان مالیات منحصر نمی‌شود بلکه آنها تا آخرین لحظه اتمام مأموریت خود باید به این منش و اصول متعهد باشند. یکی از این موارد که در کنار توصیه‌های مکرر حضرت در خصوص لزوم حفظ حقوق مؤدیان و برخورد پسندیده با آنان مورد تأکید قرار گرفته، مراقبت دائمی از حقوق دولت و در حقیقت از مصالح جامعه اسلامی است. به‌عنوان نمونه در جایی در رابطه با زکات می‌فرمایند: "...حیوان پیر، دست و پا شکسته، بیمار و معیوب را به‌عنوان زکات نپذیر و به فردی که اطمینان نداری و نسبت به اموال مسلمین دلسوز نیست مسپار..." (همان، ۵۰۷). در این قالب مأمور مالیاتی باید مراقب مصالح بیت‌المال بوده و همواره آن را مراعات کند و از این‌رو مالیات باید به‌طور صحیح و تمام و کمال اخذ شود.

۶. اصول اخلاقی حاکم بر رفتار مؤدیان مالیاتی از دیدگاه علوی

گرچه در این باب از بحث، نکات قابل استخراج از مستندات علوی نسبت به دو مورد قبلی بسیار کم‌تر است اما تعداد کم این نکات چیزی از اهمیت آنها نمی‌کاهد و به بیانی حساسیت این نکات و اهمیت و جایگاه آنها آن‌چنان است که خلاء موجود را کاملاً تحت پوشش قرار می‌دهد. با استناد بر دیدگاه و سیره‌ی علوی؛ همان‌طور که دولت و کارگزاران مالیاتی در استیفای حقوق مالیاتی خود باید اصول و محورهای اخلاقی یاد شده در بخش‌های قبلی این مقاله را سرلوحه تمامی سیاست‌گذاری‌ها و رفتارها قرار داده و در عملیاتی کردن تمامی سیاست‌ها صرفاً بر مدار اخلاق و رفتار اسلامی پایبندی به خرج دهند، مؤدیان مالیاتی که منبع اخذ مالیات تلقی می‌شوند نیز متقابلاً تکالیفی دارند که از شواهد موجود چنان برمی‌آید که این تکالیف عموماً ریشه در فضایل اخلاقی داشته و از رفتارهای مبتنی بر انسانیت و اخلاق و باورهای اعتقادی منبعت می‌شوند. در این بخش از مقاله و قبل از جمع‌بندی نتایج، لازم است مختصراً به مهم‌ترین اصول اخلاقی حاکم بر رفتار مؤدیان مالیاتی به شرح ذیل بپردازیم:

۱-۶. لزوم پرداخت مالیات به بهترین و صحیح‌ترین نحو ممکن

با توجه به اینکه نظام مالیاتی علوی عموماً مبتنی بر اصل خوداظهاری و خودارزیابی مالیاتی طراحی شده (شهاب، ۱۳۸۷: ۹۹). به موازات تأکیدی که حضرت امیر(ع) خطاب به کارگزاران و مأموران وصول مالیات در رابطه با اعتماد به مؤدیان مالیاتی در اخذ مالیات داشته‌اند، بر مؤدی مالیاتی نیز رعایت حقوق دولت

اسلامی و پرداخت مالیات به صورت درست فرض دانسته شده است. به عنوان یک نمونه بارز همان طور که از نامه ۲۵ آن حضرت بر می آید مؤدیان مالیاتی نباید در پرداخت زکات اقلام معیوب و ناسالم را به عنوان زکات ارائه نمایند و اگر چنین کنند براساس تأکید حضرت، این مالیات از آنان وصول نخواهد شد و کارگزاران و مأموران مالیاتی حق تحویل گرفتن چنین اقلامی را ندارند (نهج البلاغه، ۵۰۷).

۲-۶. لزوم پرداخت مالیات با رضایت خاطر و رغبت

یکی از نکات و اصول اخلاقی بسیار مهمی که مطابق با دیدگاه علوی ناظر بر رفتار مؤدیان مالیاتی است ضرورت پرداخت مالیات با رضایت خاطر است. امام (ع) می فرماید: "...آن کس که زکات را با رضایت خاطر بپردازد کفاره گناهان او می شود... پس نباید به آنچه پرداخته با نظر حسرت نگاه کند و برای پرداخت زکات افسوس بخورد..." (همان، ۴۲۱) در تحلیل این فرمایش، حضرت امیر(ع) نه تنها پرداخت مالیات را برای مؤدیان به هدر دادن منابع نمی داند بلکه در مقابل حتی پرداخت مالیات زکات را عاملی در جهت حفظ و نگهداری اموال و بیمه کننده دارایی های مؤدی مسلمان می داند (همان، ۶۵۹). پرواضح است که توجه و تأکید بر این موضوع خود تضمینی است برای ثمربخشی اصول خود ارزیابی و تمکین مالیاتی و چنانچه مؤدی مالیاتی در رفتار خود مقید به این نکته اخلاقی بوده و برای پرداخت مالیات افسوس نخورد و آن را کاهش منابع خود تلقی ننماید نظام مالیاتی با بالاترین سطح تمکین مالیاتی مواجه و خودارزیابی در پرداخت مالیات ثمربخش خواهد بود.

۳-۶. لزوم نگرش عبادی به پرداخت مالیات

یکی دیگر از نکات اخلاقی حاکم بر رفتار مؤدی مالیاتی از دیدگاه حضرت امیر(ع)، پرداخت مالیات بر اساس اعتقادات دینی و به عنوان یک وظیفه و تکلیف عبادی است. به عبارت بهتر رفتار مؤدی مالیاتی در پرداخت مالیات باید به نحوی فعلیت یابد که گویای انجام یکی از فرایض مسلم دینی باشد. حضرت در بیانات متعدد به لزوم نگرش دینی و بروز رفتار اعتقادی در پرداخت مالیات اشاره و تأکید نموده اند. به عنوان نمونه در بیانی می فرماید: "... پرداخت زکات تکلیف واجب الهی است" (همان، ۲۱۵) و در بیان دیگری در رابطه با تفسیر آیه ای از قرآن تأکید می فرماید: "... ماعون همان زکات واجب است و کسی که زکات ندهد مانند رباخوار است و کسی که زکات مالش را ندهد مسلمان نیست" (حسینی، ۳۹۹). در جای دیگری نیز می فرماید: "زکات همراه نماز مایه ای تقرب مسلمانان به خداوند است" (نهج البلاغه، ۱۹۹). موارد مشابه بسیاری در همین رابطه از مستندات موجود قابل ذکر است که به جهت رعایت اختصار از شرح آنها خودداری می نماییم (به عنوان مثال: نهج البلاغه، ۶۵۹ و ...)

نتیجه گیری

همان طور که تشریح شد، بدون تردید تعیین نرخها و میناهای مالیاتی و توابع مربوطه و تلاش برای وصول آنها، بدون حاکمیت هنجارها و ارزش های اخلاقی، اقدامی بی روح و فاقد معنی داری خاصی بوده و حتی ممکن است دارای اثرات و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی نامناسبی باشد که سبب عدم دستیابی به

اهداف متصور از اعمال مالیات‌ها گردد. در قالب این تحقیق سعی شد این مشی و منش رفتاری را تحت عنوان اصول اخلاقی متنوعی به استناد اندیشه و سیره‌ی عملی حکومت علوی مطرح نموده و مورد تحلیل قرار دهیم.

در راستای بررسی این موضوع و پس از مباحث مقدماتی؛ متناسب با عوامل درگیر در نظام مالیاتی که به‌ترتیب دولت (به‌عنوان طراح اصلی نظام مالیاتی)، کارگزاران و مأموران (به‌عنوان مجریان وصول مالیات) و مؤدیان مالیاتی (به‌عنوان پرداخت‌کنندگان مالیات) هستند؛ اصول اخلاقی موردنظر حضرت امیر(ع) در رابطه با هر یک مورد تحلیل قرار گرفت.

در یک جمع‌بندی از نتایج حاصله، در رابطه با رفتار مالیاتی دولت اسلامی؛ پابندی به اجرای قوانین و مقررات، هدف‌گیری عمران و آبادسازی به‌جای توجه صرف به درآمدسازی، تمرکز بر سیاست‌های حمایتی از تولید در طراحی نظام مالیاتی، رعایت جایگاه و شأن مؤدی مالیاتی، رعایت عدالت در مصرف منابع حاصله از جمع‌آوری مالیات‌ها (عدالت منطقه‌ای با مالیه محلی) از مهم‌ترین اصول مستخرج از فرمایشات و سیره‌ی علوی هستند.

در خصوص رفتار کارگزاران و مأموران مالیاتی، مهم‌ترین نتایج حاصل از تحلیل‌های ارائه شده در این مطالعه عبارتند از: توجه به نقش مهم مؤدیان مالیاتی در تأمین منابع عمومی و سازماندهی رفتار بر همین مبنا، اعتماد به مؤدیان مالیاتی در تمامی مراحل، عدم خروج از مدار قانون در اجرا و وصول مالیات، احترام به شکایات و درخواست تجدیدنظر آنان، جلوگیری از تضعیف مالکیت شخصی و شکستن حریم خصوصی مؤدیان در فرآیند مالیات‌ستانی، امانت‌داری و مراقبت از مصالح بیت‌المال.

تحلیل‌های بخش پایانی این مقاله نیز نشان داد که از دیدگاه علوی برای رفتارهای مؤدیان مالیاتی نیز اصولی موردنظر است. از جمله: پرداخت مالیات با رضایت خاطر و رغبت و به بهترین و صحیح‌ترین نحوه‌ی ممکن مؤدیان، نگرش به پرداخت مالیات به‌منزله یک وظیفه عبادی.

مجموعه نتایج فوق در قالب یک مدل مفهومی در ضمیمه به‌طور خلاصه ارائه گردیده است. نهایتاً آنچه شایسته ذکر است اینست که نظام مالیاتی علوی را باید یک نظام کاملاً هنجارگرا و ارزشی دانست که هرگز و در هیچ‌یک از ابعاد مربوط به فرآیندهای مالیاتی از چارچوب ارزش‌های اخلاقی خارج نمی‌شود.

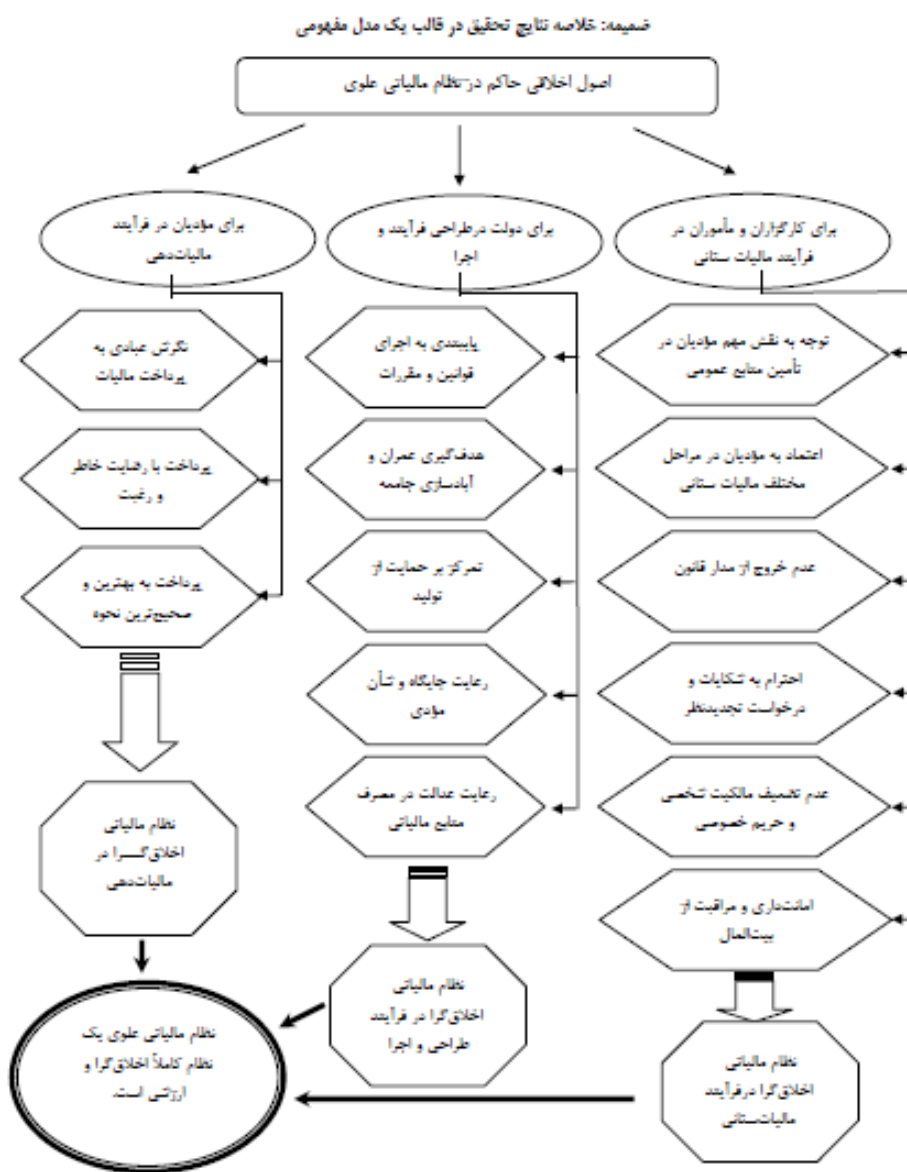
توصیه‌های سیاستی

با تکیه بر نتایج فوق؛ در رابطه با فرآیند طراحی، وصول و پرداخت مالیات توصیه‌های زیر برای سیاست‌گذاران اقتصادی در دولت‌های اسلامی و به‌ویژه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران قابل طرح است:

- مالیات‌ها باید آگاهانه و هدفمند طراحی شوند.

- به مالیات‌ها باید به‌عنوان ابزار قدرتمند سیاست اقتصادی نگریسته شود و نه صرفاً ابزاری برای درآمدسازی.

- در هر سیاست اقتصادی از جمله سیاست مالیاتی باید حمایت منطقی و مناسب از تولید و سازندگی بر هر چیز دیگری مقدم شمرده شود.
- مأموران مالیاتی باید آموزش دیده و بر قوانینی که مجری آن هستند مسلط و در هر حالتی به مقررات پایبند باشند.
- پیشنهاد می‌شود در طراحی و اجرای مکانیزم وصول مالیات از متخصصین مربوطه به‌ویژه از متخصصین اقتصادی و روانشناسی اجتماعی بهره‌گیری شود.
- توجه به جایگاه و شأن مؤدیان و احترام به مالکیت شخصی و حریم خصوصی آنان خطوط قرمزی هستند که نباید در طراحی و وصول مالیات از آنها تخطی شود.
- دولت در اجرای قوانین مالیاتی و صرف درآمدهای حاصله نباید هیچ‌گونه تبعیضی بین اشخاص یا مناطق قائل شود.
- مأموران وصول مالیات باید خود از لحاظ مالی تأمین، از لحاظ روانی سالم و به‌لحاظ اعتقادی مؤمن و درست‌کار باشند تا زمینه هر گونه تخطی از بین برود.
- پیشنهاد می‌شود در ساختار مالیاتی ساز و کار ویژه‌ای برای بررسی و تحلیل بازخوردهای قوانین اجرا شده و اثرات ناشی از اجرای قوانین مالیاتی ایجاد گردد.
- اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی نحوه‌ی محاسبه و وصول مالیات و همچنین اهداف و آثاری که پرداخت مالیات برای جامعه به‌دنبال دارد از وظایفی است که دولت در راستای ایجاد رغبت به پرداخت صحیح و کامل مالیات به‌عهده دارد.



منابع

- احمدی، علی محمد و وفایی یگانه، رضا (۱۳۹۱) "بررسی میزان مالیات‌های اسلامی در سید هزینه‌ای خانوارها و میزان اثرپذیری آن از رشد اقتصادی با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی"، فصلنامه پژوهش مالیات، سال بیستم، شماره ۱۶.
- آقائیزی، حسن و گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی (۱۳۸۲)، نگرش علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه و پژوهشکده امور اقتصادی.
- ابن‌ابی‌الحدید (۱۳۸۷ق)، شرح نهج البلاغه، (محمد ابوالفضل ابراهیم)، بیروت: دار احیاء التراث.
- پژوهش‌ها، جمشید (۱۳۷۲)، اقتصاد بخش عمومی، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- جعفری صمیمی، احمد (۱۳۷۱)، اقتصاد بخش عمومی ۲، تهران: انتشارات سمت.
- حسینی، سیدرضا (۱۳۸۰)، "بیت‌المال"، رشاد، علی اکبر. دانشنامه امام‌علی(ع) ج ۷، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر: ۳۸۳-۴۴۶.
- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۱)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه (ربانی، عبدالرحیم)، تهران: انتشارات اسلامی.
- حمزه‌پور، محمدحسین؛ صدر، سید کاظم و کفائی، محمدعلی (۱۳۷۹)، "بررسی مالیات بر شرکت‌ها در ایران براساس الگوی مالیات‌های اسلامی"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال سوم، شماره ۱۰.
- خدابخشی، عباس (۱۳۷۹)، "بررسی مالیات بر ارث بر اساس الگوی مالیات‌های اسلامی"، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹)، ترجمه‌ی نهج البلاغه امام علی(ع)، قم: انتشارات مشهور.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۱)، مبانئ اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات سمت.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۲)، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات سمت.
- ذاکری، علی اکبر (۱۳۷۵)، سیمای کارگزاران علی ابن ابیطالب امیرالمومنین(ع)، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- رضایی دوانی، مجید (۱۳۸۷)، "ویژگی‌های منابع مالی دولت اسلامی و اثر آن بر سرمایه‌گذاری اقتصادی"، فصلنامه پژوهشنامه مالیات، سال شانزدهم، شماره ۱.
- رضایی دوانی، مجید و خادمی جامخانه، علی اکبر (۱۳۹۰)، "اصلاح ساختار و بسط پایه‌های مالیاتی در تطبیق با الگوی مالیات‌های اسلامی با تأکید بر مالیات بر عایدی سرمایه"، فصلنامه پژوهشنامه مالیات، سال نوزدهم، شماره ۱۱.
- رضایی دوانی، مجید؛ خادمی جامخانه، علی اکبر و حاج محمدی، فرشته (۱۳۹۱)، "بررسی تطبیقی مالیات بر مجموع درآمد و خمس"، فصلنامه پژوهشنامه مالیات، سال بیستم، شماره ۱۶.
- رشاد، علی اکبر (۱۳۸۰)، دانشنامه امام‌علی(ع)، تهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- سیدشریف رضی، محمدبن حسین (۱۳۷۹)، نهج البلاغه (دشتی، محمد)، تهران: مؤسسه انتشارات مشهور.
- شمس‌الدینی، مصطفی و شهرکی، جواد (۱۳۹۰) "پیاپی‌سازی یک الگوی مالیاتی مناسب از منظر قوانین مالیاتی اسلام"، دو فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، سال سوم، شماره ۲.
- شهاب، محمدرضا (۱۳۸۷)، بررسی تحلیلی و تدوین الگوی مالیاتی بر اساس سیره حضرت امیر(ع). دامغان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان.
- فیض، علیرضا (۱۳۸۶)، "جایگاه خمس در اقتصاد اسلامی"، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال چهارم، شماره ۱.
- سسگری، محمد مهدی و کاشیان عبدالمحمد (۱۳۹۰)، "برآورد ظرفیت بالقوه خمس و مقایسه آن با درآمدهای مالیاتی در اقتصاد ایران (طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷)"، نشریه راهبرد توسعه، شماره ۲۷.

- غفاری، هادی و کریمی، علیرضا (۱۳۸۷)، "هویت دینی و آموزه‌های اخلاقی اسلام و تأثیر آن بر رفتارهای اقتصادی در فرآیند توسعه"، دانشگاه فردوسی مشهد، مجموعه مقالات همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی: ۱۹-۲.
- گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی (۱۳۸۰)، "دولت و سیاست‌های اقتصادی"، رشاد، علی‌اکبر، *دانشنامه امام علی (ع) ج ۷*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر: ۳۱۷-۳۸۰.
- مروتی، سهراب و دارابی، فرشته (۱۳۹۲)، "بررسی فرآیند عدالت مالیاتی در نهج‌البلاغه"، *دوفصلنامه پژوهش‌نامه‌ی علوی*، سال چهارم، شماره ۱.

-Adebayo , R. Ibrahim.(2011)." Zakat and Poverty Alleviation: A Lesson for the Fiscal Policy Makers in Nigeria", *Journal of Islamic Economics, Banking and Finance*, Vol. 7, No. 4 .pp:25-42

- Iqbal, Munawar .(1985)." Zakah, Moderation and Aggregate Consumption in An Islamic Economy",*Journal of Research on Islamic Economics.*, Vol. 3, No. 1 .pp : 45-61